

### رفعت قافلان کوهی، همسر شهید

خانم قافلان کوهی در ابتدای گفت‌وگو با روزنامه جام جم، ضمن اشاره به این‌که شهید کسایی در مقطعی شاگرد مقام معظم رهبری بوده است، می‌گوید: ایشان در سال ۱۳۵۶ در دانشگاه فردوسی مشهد تحصیل می‌کرد و همزمان در جلسات درس حضرت آقا حضور داشت. سال ۱۳۵۹ ایشان در مسجد عظیمی شیراز کلاس درس نهج‌البلاغه داشت و من هم عضو فرهنگی آنجا بودم و در همین کلاس‌ها با هم آشنا شدیم.

همسر شهید کسایی به موضوع خواستگاری و خوابی که دیده بود، اشاره می‌کند و می‌گوید: عجیب بود، خاطرم هست که یک شب قبل از خواستگاری، خوابی دیدم که همراه با آقای کسایی با لباس‌های سفیدی که بر تن داشت، روی یک تخته سنگ نشسته‌ایم. آیه «وینا اتنا...» را با هم می‌خوانیم و این تخته سنگ بالا و بالا می‌رود تا این‌که به بالای قیور بهشت زهرا می‌رسد. صبح آن روز که از خواب بیدار شدم، این خواب را برای مادرم تعریف کردم و حدود ساعت ۹:۳۰ صبح بود که زنگ خانه ما به صدا درآمد و آقای کسایی پشت در بود. آن لحظه مادرم تاکید کرد که به طبقه بالا بروم اما من که همه ذهنم را خواب شب قبل پر کرده بود، به آرامی گفتم مادر، ایشان استاد من است و بلافاصله با چادر سیاه داخل رفتم و سلام دادم. آقای کسایی از زیر عینکش من را دید و گفت حدس می‌زدید که من باشم! در پاسخ، مادرم خواب دیشم را برایش تعریف کرد و در واقع ماجرا را لو داد.»

خانم قافلان کوهی اضافه می‌کند: باید بگویم که پدرم مخالف ازدواج ما بود اما وقتی من با چنین برخوردی مواجه شدم، به پدرم گفتم اگر اجازه ندهید با آقای کسایی ازدواج کنم، قید ازدواج را خواهم زد و در نهایت پدرم به این ازدواج راضی شد. نکته مهم و جالب ماجرا این است که با چنین پیشینه‌ای خطبه عقد ما را حضرت امام (ره) در جماران و منزل خودشان خواندند و به ماتوبه و نصیحت کردند که «با هم بسازید و گذشت داشته باشید». یادم هست که حضرت امام (ره) سه بار این جمله را تکرار کردند که باید بگویم و تاکید کنم آن لحظه بهترین لحظه زندگی من بود. زمانی که از بیت امام بیرون آمدم، علی‌آقا گفت می‌خواهم نکته‌ای را به شما بگویم که یکی از آرزوهایم برآورده شده است. چون تولدم در روز غدیر بوده دوست داشتم مراسم ازدواجم هم همزمان با عید غدیر باشد و جالب است که بگویم، به دلیل تبرک این روز علی‌آقا در روز عروسی من نیز روزه بود. البته باید اضافه کنم که طی هفت سال بعد از ازدواج من هیچ عید غدیری در کنار هم نبودیم، زیرا یا ما جاری ترور ایشان اتفاق افتاد، یا در منطقه زخمی بوده یا تصادف کرده بودند.

او می‌افزاید: نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کنم، این است که حرف‌های علی‌آقا به دل شنونده و کسانی که پای حرف ایشان حاضری می‌شدند یاد ر کلاس‌های شان شرکت می‌کردند، می‌نشست؛ زیرا از دل پاک و از معارف اصیل اسلامی یعنی از قرآن و نهج‌البلاغه برمی‌خاست و لاجرم بر دل دیگران می‌نشست. ایشان هم به قرآن و هم نهج‌البلاغه تسلط کامل داشتند و به همین دلیل در مقابل هر پرسش یاد ر بی هر بحث و صحبتی آنچنان متفن و مستند و دلنشین صحبت می‌کردند که شنونده شیدی سخنان علی‌آقا می‌شد و البته مورد مهم دیگر هم عامل بودن ایشان بر آنچه به زبان می‌آوردند، بود و به قولی، حرف و عمل شان یکی بود که به نظرم این امر موجب شده، این‌گونه مؤثر و موفق عمل کنند.

### سمیرا اکبری، نویسنده کتاب آخرین فرصت

سمیرا اکبری، نویسنده جوان شیرازی و پدیدآورنده این اثر دریاه کتاب آخرین فرصت می‌گوید: باید بگویم که این کتاب مشق زیبا و روایت ماندگاری از یک شهید شاخص بود که من توفیق تحریر آن را پیدا کردم.

کتابی که در قالب یک زندگی‌نامه و مستند است، زیرا تمامی مطالب کتاب براساس صحبت‌های راویان خاطرات نوشته شده و می‌توان گفت فارغ از آنچه مرسوم است، در این اثر تخیل نویسنده نقش چندانی ندارد.

نویسنده خوش‌قلم کتاب آخرین

فرصت، با اشاره به این موضوع که من اهل شیراز، ساکن این شهر و عضو مؤسسه نشر فرهنگ شهادت در شیراز هستم، می‌افزاید: مؤسسه نشر فرهنگ شهادت سال‌هاست در زمینه نشر ادبیات ایثار و شهادت فعالیت می‌کند و یکی از فعالیت‌های این مؤسسه دیدار با خانواده‌های شهدا و ثبت خاطرات این عزیزان است. ما براساس مصاحبه‌ای که با یکی از جانبازان شیمیایی به نام سیدرضا متولی انجام شد، متوجه شدیم ایشان یکی از شاگردان کلاس نهج‌البلاغه شهید علی کسایی بوده و هم ایشان بود که برای اولین بار شهید کسایی را به عنوان یک شهید شاخص به مؤسسه معرفی کرد و ما با اطلاعات اندک دریافت‌شده از زندگی‌شان، متوجه شدیم با یک شهید گمنام در عین حال شاخص روبه‌رو هستیم. شهیدی که روایت زندگی او ظرفیت‌های زیادی داشت و لازم بود شهید کسایی را به صورت جدی به مردم معرفی کنیم.

سمیرا اکبری با اشاره به چگونگی انتخابش برای تحریر این کتاب می‌گوید: نمی‌دانم اسمش را اتفاق بگذارم یا روزی، اما یک روز فایلی

# رستگاری در آخرین فرصت

تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب آخرین فرصت، فردا در مراسمی در شیراز رونمایی می‌شود



محمد دشتی گروه فرهنگ‌و هنر

کتاب «آخرین فرصت» روایت زندگی سراسر عشق و ایمان شهید علی کسایی است که با داستان شکل‌گیری زندگی مشترک او و همسرش، رفعت قافلان کوهی آغاز و با خواندن هر صفحه آن، خواننده برای شنیدن ادامه این روایت جذاب و پرحادثه مشتاق‌تر می‌شود. ضمن این‌که در خلال کتاب نیز اتفاق‌های زندگی ساده و عاشقانه این خانواده در شهر شیراز روایت و خواننده را با مقاطع مختلف حیات پر برکت این شهید شاخص آشناتر می‌کند. کتابی که علاوه بر مرور خاطرات دوران زندگی و رزمندگی شهید علی کسایی، بخشی مهم از تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق را نیز دربر می‌گیرد. در گزارش پیش‌رو که به مناسبت رونمایی از تقریظ مقام معظم رهبری از این کتاب تهیه شده، برخی زوایای نامکشوف و تازه کتاب از زبان همسر شهید، نویسنده کتاب، شاگردان کلاس نهج‌البلاغه شهید، برادر شهید و ناشر اثر، درخصوص این کتاب ارزشمند روایت شده است. کتابی که به تقریظ مقام معظم رهبری رسیده و چاپ شمت و سوم آن در ماه‌های اخیر به زیور چاپ آراسته و روانه بازار شده است.

کردن داشت. بعد آن هم قرار مصاحبه‌های تکمیلی را گذاشتیم و این سه ساعت گفت‌وگو، ۳۰ ساعت فایل صوتی شد. ادامه ماجرا هم این‌گونه بود که برای جمع‌آوری اطلاعات و انجام مصاحبه‌ها گاهی در خانه، گاهی بیرون از خانه و گاهی به شکل تلفنی یا در شبکه‌های اجتماعی با همسر شهید در ارتباط بودم تا جزئیات دقیق‌تری از خاطرات بازآفرینی شود. البته هدفم نگارش کتاب خاطره‌نویسی خطی و بازآفرینی ساده نبود، بلکه می‌خواستم با وفاداری به واقعیت و بدون دخالت قالب تخیل، فضای دلنشینی را با زبان داستانی ترسیم کنم که مخاطب پسند باشد و در مجموع در حد وسع خودم تلاش کردم با هنر ادبیات، بخشی از مفاهیم انسان‌ساز

صوتی سه‌ساعته‌ای از سوی مؤسسه نشر فرهنگ شهادت به من داده شد که مصاحبه با همسر شهید علی کسایی بود و قرار بود آن را در قالب خاطرات شفاهی به نگارش دریاورم. پس از شنیدن محتوای آن مصاحبه، شخصیت شهید و همسرشان برایم بسیار جذاب و شخصیت شهید عزیز برایم ستودنی شد و پرسش‌های زیادی در این خصوص در ذهنم ایجاد شد. در اولین فرصت قرار مصاحبه با همسر شهید را هماهنگ کردم و مسیر گفت‌وگوهای مان به سمتی رفت که فرضیه نگارش یک کتاب خاطرات مفصل و جامع قوت گرفت، چون شهید علی کسایی، شخصیت ناب و گمنامی بود که زندگی و حیات و شهادت او ظرفیت‌های زیادی برای روایت

فرهنگ شهادت را به مخاطبان منتقل کنم. امری که نه ناشی از هنر من بلکه برخواستنه از روایت زندگی پر فراز و نشیب و پرثمر شهید عزیز بود و خوشحالم که این اثر که متعلق به شهید، تلاش‌ها و رشادت‌ها و نهایتاً پر کشیدن او به آسمان عشق و ملاقات با خداوند متعال بوده، به چاپ شصت و سوم رسیده است.

اکبری درخصوص تقریظ مقام معظم رهبری نیز به ماجرای جالب اشاره می‌کند و می‌گوید: این موضوع از همان ابتدا روای مشترک من و خانم قافلان کوهی بود. زمانی که اولین چاپ آخرین فرصت منتشر شد و کتاب را به همسر شهید دادم، ایشان گفت که ان‌شاءالله کتاب به زودی به دست مقام معظم رهبری برسد



و مورد توجه ایشان قرار بگیرد که لطف خدا شامل حال ما شد و مدیر انتشارات «به‌نشر» این خبر خوب را به من دادند تا بتوانم در پی انتشار اولین اثر مکتوبم حس خوب عزتمندی را تجربه کنم.

### مهندس مسعود فرزانه، مدیر انتشارات به‌نشر

مدیر انتشارات به‌نشر نیز در گفت‌وگویی با اشاره به این موضوع که انتشارات قدس رضوی موضوع دفاع مقدس را در دستور کار و نظام انتشاراتی خود قرار داده، می‌گوید: ما در زمینه ادبیات پاسداری و دفاع مقدس تاکنون قریب ۸۰ عنوان کتاب منتشر کرده‌ایم که بخشی مربوط به شهدای اقلیم خراسان رضوی و بخشی دیگر درخصوص شهدای سایر نقاط کشور است.

فرزانه درخصوص کتاب آخرین فرصت، به عنوان اثری خواندنی در حوزه دفاع مقدس می‌گوید: این اثر در سال ۱۴۰۰ از سوی خانم سمیرا اکبری از نویسندگان مطرح حوزه دفاع مقدس به انتشارات به‌نشر سپرده شده بود که بعد از بررسی‌های تخصصی که صورت پذیرفت این اثر را ما به عنوان یک اثر مطلوب برای انتشار انتخاب کردیم. روایتی خاص، احساس برانگیز و چالشی که بعد انجام ارزیابی تخصصی به این نتیجه رسیدیم که این روایت می‌تواند یک روایت مطرح، مستند و جذاب برای خوانندگان باشد و

